

ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل اسلامی برای دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی

علی کیانی‌زاده^۱

مهدی وثوق^۲

زهره قاسمی^۳

فاطمه بیرجندی^۴

چکیده

جنگ همواره به عنوان یکی از پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مورد نکوهش مردم و دولت‌ها قرار می‌گیرد. اما این نکوهش هرگز به معنای عدم جنگ در میان جوامع و دولت‌ها نیست. به همین دلیل، تلاش‌ها برای کاهش آثار ناشی از جنگ در قالب‌های متفاوت از جمله حمایت از آسیب‌دیدگان جنگی به یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تبدیل شده است. در همین راستا، هر مکتب حقوقی تلاش می‌کند تا با بسط آموزه‌ها و دیدگاه‌های خاص خود، رویکردی برای بهبود وضعیت آسیب‌دیدگان جنگی ارائه دهد. یکی از این راه‌حل‌ها به حقوق بین‌الملل اسلامی اختصاص دارد که از دیرباز نقش مهمی در تدوین و حمایت از حقوق بین‌المللی بشردوستانه در زمان جنگ و پس از آن داشته است. در همین راستا مقاله حاضر تلاش می‌کند این سؤال را مطرح کند: ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل اسلامی برای دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی تا چه اندازه می‌تواند به آسیب‌دیدگان جنگی کمک نماید؟ فرضیه این است که حقوق بین‌الملل اسلامی به دلیل تأکید بر دفاع مشروع و عدم آسیب رساندن به غیرنظامیان می‌تواند نقش مؤثری در دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی ایفا نماید.

واژگان کلیدی: جنگ، حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل اسلامی، آسیب‌دیدگان جنگی.

۱. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق،

akiani136115@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، کارشناسی حقوق،

mehdeivosough1358@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دکترا، (نویسنده مسئول)

z.ghasemi1986@yahoo.com

۴. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی دکتری و هیات علمی،

birjandifateme@yahoo.com

مقدمه

اگر بتوان جنگ را پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر در حیات بشری تلقی کرد، بررسی جوانب و آثار ناشی از آن می‌تواند به عنوان یک موضوع اساسی مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، از گذشته تا به امروز، سیاست‌ها و راهکارهایی برای کاهش خسارت‌های ناشی از جنگ مطرح شده است که غالباً در قالب کمک‌های بشردوستانه، صلح محوری و همکاری‌های بین‌المللی و داخلی صورت می‌گیرد. اما با فرا رسیدن عصر مدرن و تشکیل نهادهای بین‌المللی، تلاش برای سازماندهی کردن قوانین بین‌المللی برای حمایت از آسیب دیدگان جنگی به یک ضرورت اساسی بدل شده است. به طوری که می‌توان گفت نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل و سازمان‌های زیرمجموعه آن از جمله صلح بین‌الملل، و همچنین سایر نهادهای بین‌المللی نظیر صلیب سرخ، نهادهای مخالف جنگ طلبی در جهان و ... همواره تلاش‌های مؤثری برای کمک به آسیب دیدگان جنگی انجام می‌دهند. در این میان، زنان و کودکان به دلیل مشارکت کمتر و یا عدم مشارکت صریح در جنگ‌ها از جایگاه خاصی برخوردار هستند. به طوری که می‌توان گفت بخش اعظمی از تلاش‌های سازمان‌های مذکور به حمایت از زنان و کودکان اختصاص می‌یابد.

با این حال، حمایت و دفاع از آسیب دیدگان جنگی علاوه بر این که در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای دنبال می‌شود، در نزد آموزه‌های حقوقی در سطح جهان نیز دیده می‌شود. آموزه‌های حقوقی برحسب معیارهای انسان‌دوستانه، ضرورت‌های حقوق بشری، نوعدوستی و کمک به کاهش خسارت‌های ناشی از جنگ به یاری آسیب دیدگان جنگی می‌شتابند. در این میان، حقوق بین‌الملل اسلامی با توسل به آموزه‌های دینی و اسلامی و همچنین بهره‌گیری از دستاوردهای دینی و تاریخی دین اسلام، سیره نبوی و ائمه معصوم (ع) راه‌حل‌ها و شیوه‌های گوناگونی برای حمایت از آسیب دیدگان جنگی مطرح می‌کند. حقوق بین‌الملل اسلامی که نقش مؤثری در تدوین کمک‌های بشردوستانه در سطح جهان داشته است، به عنوان یکی از آموزه‌های شناخته شده در سطح جهان خودنمایی می‌کند. آموزه مذکور با تدوین ضرورت‌های دفاع، اصول جنگ و دفاع، کمک به آسیب دیدگان جنگی و همچنین توصیه‌هایی درباره اسرا و جنگ‌زدگان نقش مؤثری در حمایت از آسیب دیدگان جنگی فراهم آورده است. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از نظریه‌ها و دیدگاه مرتبط با حقوق بین‌الملل اسلامی و همچنین بهره‌گیری از آیات و روایات، و سیره ائمه (ع) به تبیین حقوق بین‌الملل اسلامی در ارتباط با آسیب دیدگان جنگی بپردازد و راهکارهای خاص خود را در این زمینه ارائه دهد. به نظر می‌رسد با توجه به گسترش خشونت‌ها در سطح جهان و همچنین سیطره یافتن الگوهای حقوق بین‌الملل سکولار، ضرورت دارد تا با تبیین ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل اسلامی برای دفاع از آسیب دیدگان جنگی به تبیین منطق اسلام در این زمینه پرداخت و در نهایت از آنان نیز بهره برد.

حقوق بین الملل و آسیب دیدگان جنگی

حقوق بین الملل مجموعه اصول و قواعدی است که دولت‌ها، یعنی اعضای اصلی جامعه بین الملل، خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانند و در روابط با یکدیگر اجرا می‌کنند. علاوه بر این، قوانین مذکور ممکن است بخش اعظمی از روابط ملت‌ها با یکدیگر را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد و الزاماتی را نیز بر آنان حکمفرما سازد. به طور کلی، حقوق بین‌الملل شامل قواعدی است که طرز تشکیل و وظایف سازمان‌های بین‌الملل و روابط این سازمان‌ها با یکدیگر و با دولت‌ها و همچنین در بعضی موارد حقوق و تکالیف بین‌المللی افراد را تعیین می‌کند (صفری، ۱۳۴۲: ۱۵). قواعد حقوق بین الملل به گونه‌ای است که از درجه مقبولیت بالایی در نزد دولت‌ها در سطح جهان برخوردار است و اغلب سازوکارهای آن مورد پذیرش دولت‌های گوناگون قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، علی‌رغم وجود قوه اجرایی مؤثر در نظام بین‌المللی، قواعد حقوق بین الملل از سوی تابعان نظام بین‌المللی در اکثر موارد رعایت می‌شوند. در واقع منافع ناشی از همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز و ضرورت احترام به ارزش‌های بنیادین حاکم بر جامعه بین‌المللی دولت‌ها را به رعایت قواعد حقوق بین الملل وا می‌دارد (حاجی-زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

در کنار آنچه با عنوان مجموعه حقوق بین‌الملل خوانده می‌شود، دین اسلام نیز دارای تعریف، شرایط و الگوی خاصی از حقوق بین الملل است که توجه به اصول و برنامه‌های آن می‌تواند راهکار مناسبی برای اجرای حقوق بین‌الملل در سطح جهان باشد. حقوق بین الملل اسلام، حقوق بین الملل جهانی را با رویکردی انتقادی دنبال می‌کند و بر این عقیده است که رویکرد اخیر، ابزاری برای سلطه قدرت‌های بزرگ بر سایر فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ اسلامی است. در این زمینه، نگاه دیپلمات‌ها و دولتمردان به حقوق بین الملل به عنوان یک ابزار در خدمت سیاست خارجی کشور متبوع همواره مورد انتقاد حقوق‌دانان بوده است. این نگاه ناشی از ویژگی‌هایی است که حقوق بین الملل را مستعد سوءاستفاده و بهترین حالت استفاده ابزاری توسط قدرت‌ها می‌نماید. از جمله این ویژگی‌ها عدم وجود نهاد مشخص و منحصر به فرد برای قانون‌گذاری و تفسیر قوانین، فقدان سلسله مراتب میان قواعد و عدم ضمانت اجرای مناسب آن‌ها می‌باشد (امینیان و صانعیان، ۱۳۹۶: ۱۰). همچنین این که نظام حقوق بین‌الملل به دلیل ماهیت ویژه‌ای که دارد، به مانند حقوق داخلی از ضمانت اجرای مؤثری برخوردار نیست. محاکم بین‌المللی نمی‌توانند به تنهایی دعاوی حقوق بین‌الملل را حل و فصل و یا در صورت رسیدگی به دعوا، اجرای حکم را تضمین نمایند (ضیایی، ۱۳۹۰: ۲۹).

بدین ترتیب حقوق بین الملل اسلامی با ارائه دیدگاه‌های منحصر به فرد خود درصدد است تا راهکارهایی برای این نقصان‌ها ارائه دهد. به طور خاص این رویکرد به دلیل بهره‌گیری حقوق بین‌الملل اسلامی از شریعت اسلامی، تفاوت‌هایی با رویکردهای سکولار و مسلط جهانی دارد. همچنین با توجه به این واقعیت که اصل ارتباطات بین‌المللی از نیازهای فطری و اساسی کشورها و حقوق بین

الملل نیز بازتابی از ضرورت‌های زندگی بین‌المللی است، اسلام به مقتضای فطری بودنش باید پاسخگوی نیازهای بین‌المللی و الزاماً دارای حقوق بین‌الملل باشد. به همین دلیل، اسلام توجه خاصی به گسترش روابط بین‌المللی دارد و همواره جهانیان را به توحید فرا می‌خواند (سلیمی، ۱۳۹۴: ۸۱). بنابراین به طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد که حقوق بین‌الملل اسلام، بخشی از نظام حقوقی اسلام است که از نظر اصالت، و استدلال مبانی، اهداف و اصول، کاملاً از نظام‌های حقوقی بشری متمایز است. دعوت به زندگی انسانی، اهتمام به تأمین نیازهای فطری، هدایت عمومی، صلح جهانی، جهانی سازی، تحقق عدالت جهانی، دانش محوری، نجات ملت‌های تحت ستم، عمران و آبادانی زمین، اهتمام ویژه به حقوق بشر و احیای حس بشردوستی از مهم‌ترین آموزه‌هایی هستند که پویایی حقوق بین‌الملل اسلامی را برای همیشه تضمین کرده است. اگر فلسفه پیدایش و توسعه حقوق بین‌الملل را ایجاد دگرگونی در روابط ملت‌ها، تأمین صلح و امنیت جهانی، جلوگیری از تجاوز و زورمندان و تحقق اصل برابری جوامع بدانیم، باید اذعان کنیم اسلام بنیان‌گذار واقعی حقوق بین‌الملل در جهان است. با توجه به رسالت جهانی اسلام، این توانایی در حقوق بین‌الملل اسلامی کاملاً تعبیه شده است. حقوق بین‌الملل اسلامی، عامل هدایت جامعه جهانی به سوی کمال نهایی - یعنی قرب الی الله - است. اعتقاد به توحید و اصالت حاکمیت خدا بر جهان و انسان، انواع روابط بین‌المللی جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب استقرار نظم عادلانه در سطح جهان می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

در همین راستا و با توجه به رویکرد حقوق بین‌الملل اسلامی در زمینه تأمین صلح و امنیت، جلوگیری از جنگ، یاری رساندن به آسیب‌دیدگان جنگی و ... به نقش این رویکرد در دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی پرداخته می‌شود. به همین منظور، برای آن که بتوان به فهم عمیقی از این مسأله نائل آمد ابتدا به جایگاه دفاع، ضرورت‌های جنگ و دلایل و علت‌های یاری رساندن به جنگ زدگان و آسیب‌دیدگان جنگی پرداخته می‌شود.

امنیت و دفاع در حقوق بین‌الملل اسلامی

حقوق بین‌الملل اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در وهله اول تلاش می‌کند تا با تبیین دفاع، جهاد ضروری و اصول جنگ مانع از چنین رویدادی شود، اما با توجه به اجتناب ناپذیری جنگ و دفع فتنه، شرایطی را نیز برای این موضوع معین کرده است. بنابراین جنگ در آموزه‌های حقوق بین‌الملل اسلامی محکوم است و تا زمانی که کیان اسلامی مورد تعرض قرار نگیرد و دشمن درصدد ایجاد فتنه نباشد، انجام جهاد و جنگ عمل صحیحی نیست. بدین ترتیب، جامعه جهادی از نظر قرآن کریم، در عرصه مقابله با فتنه و کمک به مستضعفان و در راه ماندگان قدمی عقب نمی‌نشیند و همواره با تبعیت از فرامین الهی، زمینه‌های تقویت امنیت و آرامش جامعه خود را فراهم می‌آورد. بنابراین حامیان کیان اسلامی و مدافعان پیام الهی، به عنوان افرادی جهادگر مورد ستایش خداوند

متعال قرار دارند که ولایت خدا و رسولش را با تمام سختی‌ها و ملالت‌های زمانه پذیرفته‌اند. سختی‌هایی که در نهایت باعث نگاه خاص خداوندی به آنان می‌شود. به همین دلیل کسانی که با آنچه دوست دارند و از ثمرات جهاد بهره می‌برند، به عنوان شاکله‌های امنیت در یک جامعه به شمار می‌روند و می‌توانند حافظان نظم و امنیت یک حکومت نیز به شمار روند. در آیه زیر این مسأله چنین بیان شده است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال / ۷۱).

«کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند و آن‌ها که پناه دادند و یاری نمودند، آن‌ها یاران یکدیگرند، و آن‌ها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند هیچ‌گونه ولایت (دوستی و تعهدی) در برابر آن‌ها ندارید تا هجرت کنند و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شما است که آن‌ها را یاری کنید جز بر ضد گروهی که میان شما و آن‌ها پیمان (ترک مخاصمه) است و خداوند به آنچه عمل می‌کنید بینا است.»

آیه شریفه فوق نشان می‌دهد کسانی که اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد می‌کنند، در نزد خداوند دارای جایگاه برتری نسبت به دیگران هستند و از این‌رو مورد توجه خاص خداوند نیز قرار دارند. بنابراین امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی و... به عنوان عناصر امنیت در یک جامعه به شمار می‌روند که ستون پایه‌های آن بر دوش مجاهدانی است که در راه خدا و برای کمک به بندگان خدا فعالیت می‌کنند. این امنیت تا زمانی که برقرار است، نیازمند برقراری صلح و آرامش است ولی هنگامی که رد پای فتنه و مخاصمه و برهم زدن اتحاد جامعه اسلامی به میان می‌آید، جنگ و جهاد به عنوان امری مقدس، روا شمرده می‌شود.

در همین راستا نیز می‌توان آیه ۶۰ سوره انفال را اینگونه مورد بررسی قرار داد که جان‌فشانی، جهاد و کمک به امنیت جامعه، باعث رشد استعدادهای آن جامعه در گرو امنیت پایدار و همه‌جانبه است. امنیتی که هم دشمنان خدا را بترساند و هم دشمنان جامعه اسلامی را با هراس مواجه سازد. آثار خیر و برکت چنین امنیتی که اغلب توسط نیروهای نظامی یک جامعه تأمین می‌شود به شکل مطلوبی می‌تواند باعث رشد و تعالی یک جامعه در دنیا و آخرت گردد. در این آیه چنین بیان می‌شود:

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ» (انفال / ۶۰).

« هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن ها (دشمنان) آماده سازید و اسب های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را که شما نمی شناسید و خدا آن ها را می شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید به طور کامل به شما باز گردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد.»

آداب جنگ در اسلام به گونه ای است که تنها برای دفع متجاوز و دفع فتنه اجازه چنین کاری را صادر می کند. بنابراین شرایط و آداب جنگ در حقوق بین الملل اسلامی به گونه ای است که هرگز در نقش آغازگر جنگ و متجاوز ظاهر نمی شود و حتی این عمل زشت انسانی را تقبیح می کند. ارزش جان انسان ها در حقوق بین الملل اسلامی به حدی مهم و ارزشمند است که هرگز اجازه تجاوز و آغاز جنگ را صادر نمی کند و تنها از کسانی که جنگ و خونریزی بر آنان تحمیل شده است، می خواهد که در برابر نقشه های شوم دشمن جهاد کنند و در این راه از جان ها و مال های خود نیز بگذرند. مانند آنچه در آیه شریفه زیر بیان شده است:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج / ۳۹).

« به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بر یاری آن ها تواناست.»

مطابق این آیه شریفه، جنگ و جهاد بر کسانی واجب است و حتی خداوند با لفظ «أَذِنَ» مجوز آن را صادر کرده است که مورد تعدی و تعرض دشمن قرار گیرند. در این صورت است که برای دفع ستمی که بر آنان شده است، ضرورت دارد که برای مقابله با دشمن به جهاد و جنگ بپردازند. در این مسیر، خداوند نیز یاری رسان مؤمنان است و هرگز حمایت های خود را از اهل ایمان دریغ نمی کند. بنابراین در وهله اول، امنیت و پاداش مؤمنان و کسانی که در راه خدا می جنگند، نزد خداوند است و هرگز مؤمنان را تنها نمی گذارد. به تعبیر قرآن کریم که می فرماید:

«الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش / ۴).

«همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.»

بنابراین حقوق بین الملل اسلامی در بیان شرایط جهاد و جنگ، اصول خاصی را معین می کند که در آن، دفع ستم و فتنه به عنوان مهم ترین دلایل جنگ و جهاد شمرده می شود. اسلام و حقوق بین الملل منبعت از آن، برخلاف آن چیزی که تصور می شود و توسط بدخواهان القاء می شود، هرگز موافق جنگ و خونریزی نیست و حتی در اغلب مواقع بر ضرورت پرهیز از خشونت و دوری از جنگ و نزاع تأکید می کند. به نظر می رسد همین اصول و شرایط می تواند مبنایی برای حقوق بین الملل اسلامی برای دفاع از آسیب دیدگان جنگی تلقی شود. به علاوه، اسلام در راستای تنازع بقای مادی و معنوی به پرسش بنیادین «چرا جنگ ضرورت دارد؟» به این صورت پاسخ داده که هدف جهاد «رفع فتنه» از عالم است. دفع و رفع فتنه به معنای حذف همه چیزهایی است که زندگی اجتماعی و فردی

نوع انسان را با تهدید مواجه می‌سازد و مانع پیشرفت در مسیر صحیح آن می‌گردد. هدف غایی جهاد از دیدگاه اسلام، صلح است و مجاز بودن جنگ، به منظور مقابله با ظلمی است که بر مسلمانان وارد شده است. بنابراین، تدافعی بودن هرگونه اقدام نظامی در مرکز ثقل رهنامه (دکترین) اسلام قرار دارد و «جهاد» به معنای بذل جان، مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین، راهی برای دفاع و تأمین امنیت است (درویشی و فردی تازه‌کند، ۱۳۹۳: ۱۸).

حقوق بین الملل اسلامی برای جنگ و جهاد در راه خدا تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن هم ایجاد امنیت و آرامش برای مؤمنان و مدافعان ارزش‌های الهی است و در این راه هرگز حمایت‌های آشکار و پنهان خود را از جهادگران دریغ نمی‌کند. این مسأله به وضوح در کلام خداوند متجلی است. جایی که می‌فرمایند:

«ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (توبه/ ۲۶).

«سپس خداوند، «سکینه» (و آرامش) خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد؛ و لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید؛ و کافران را مجازات کرد؛ و این است جزای کافران!».

آیه شریفه فوق نشان می‌دهد که خداوند نه تنها مقابله با ظلم و ستم و حفظ ارزش‌های الهی را امری واجب می‌داند، بلکه قلوب پیامبر گرامی خویش و مؤمنان را سرشار از آرامش می‌کند که از این طریق بتواند کافران را مجازات کند و زمینه‌های پیروزی حق بر باطل را فراهم سازد. بنابراین باید گفت هدف از جهاد نیز دفع فتنه است که فساد در زمین گسترده نشود. بدین ترتیب دفع فساد و جلوگیری از گسترش آن و تلاش برای دفاع از حق توسط مؤمنان و با حمایت‌های آشکار و پنهان خداوند صورت می‌گیرد و این وعده تخلف‌ناپذیر خداوندی است که می‌تواند منبعی برای حقوق بین-الملل اسلامی در زمینه جنگ و جهاد تلقی شود. به فرموده قرآن کریم:

«فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره/ ۲۵۱).

«سپس به فرمان خدا، آن‌ها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند؛ و «داود» (نوجوان شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛ و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید؛ و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد.».

به همین ترتیب و براساس آموزه‌های فوق، حقوق بین الملل اسلامی به عنوان راهنمای مهم مسلمانان از همان ابتدا مورد توجه بوده است و تخطی از آن به معنای بی‌توجهی به شعائر الهی تلقی می‌شود. این موضوع هم در صدر اسلام و هم در عصر جدید توسط امام خمینی (ره) نیز مورد توجه خاص بوده است. چنانچه به‌طور مثال در این زمینه می‌توان گفت اندیشه دفاعی امام خمینی (ره)

منبعث از مبانی عقیدتی ایشان به عنوان فقیهی جامع شرایط است. امام خمینی (ره) از زوایه آموزه‌های فقه شیعی به روایت‌گری و تحلیل دفاع و امنیت پرداخته و از این‌رو، درک این اندیشه‌ها مستلزم درک مکتب دفاعی و امنیتی اسلام است. اسلام به دلیل جهانشمولی بودن و داشتن ایده و برنامه برای همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، توجه خاصی به مقوله دفاع در برابر تهدیدها و تأمین امنیت جامعه اسلامی مبذول داشته است. مقصود از امنیت در ساده‌ترین معنایش در قرآن، حالت طمأنینه، در امان بودن، آسایش، بی‌هراسی و عدم خوفی است که یک مسلمان و کیان سیاسی اسلامی نیازمند آن است (درویشی و فردی تازه‌کند، ۱۳۹۳: ۱۶).

اصول حقوق بین الملل اسلامی و آسیب دیدگان جنگی

حقوق بین الملل اسلامی پس از این که شرایط جنگ، دفاع و جهاد را بیان کرده است، به طور خاص به آسیب دیدگان جنگی به عنوان یک موضوع اساسی می‌پردازد و در موارد متعددی بر ضرورت حفاظت و دفاع از آنان تأکید ورزیده است. این موضوع از نظر حقوق بین الملل اسلام هم ناظر به شرایط پیش از آغاز جنگ است؛ هم شرایط وقوع جنگ و حمایت از آسیب دیدگان جنگی را شامل می‌شود؛ و هم در پایان جنگ، مراقبت از اسرا، زنان، کودکان، بی طرفان جنگی و ... را مورد توجه ویژه قرار می‌دهد.

- عدم تلافی و کشتن مجروحان جنگی

یکی از اصول اولیه حقوق بین الملل اسلامی در زمینه جنگ‌ها این است که اصل تلافی و کشتن مجروحان جنگی به عنوان یک امر مذموم، قابل پذیرش نیست. به طور کلی در این زمینه، عمل تلافی جویانه برعکس اقدام متقابل، اقدام پرهزینه‌ای است که با هدف تنبیه کردن دولت متخلف صورت می‌پذیرد. مجازات‌های تلافی جویانه می‌توانند از اتخاذ تدابیر اقتصادی مانند ممنوع کردن واردات کالا از کشور متخلف یا کاهش صادرات به آن کشور شروع شود و در نهایت حتی به کاربرد نیروی نظامی بینجامد (دادمهر، ۱۳۹۳: ۱۳۲). با این حال، اصل مزبور که در اغلب مواقع و در جنگ‌ها مورد استفاده برخی طرفین جنگی می‌گیرد، به شدت توسط حقوق بین الملل اسلامی نهی شده است. بدین ترتیب اولین ظرفیت استخراج شده از اصول حقوق بین الملل اسلامی آشکار می‌سازد که نباید مجروحان جنگی را مورد آزار و اذیت قرار داد. از این منظر، اولاً، عمل تلافی جویانه مذموم است و مورد پذیرش حقوق بین الملل اسلامی در زمینه جنگ‌ها نیست و دوماً برخلاف مواردی که در جنگ‌ها و حتی پس از آن دیده می‌شود، حقوق بین الملل اسلامی در این زمینه موضع روشن و شفاف‌ی دارد.

بررسی مواضع تاریخی بزرگان اسلام و آیات و روایات ذکر شده در متن مذکور نشان می‌دهد که حقوق بین الملل اسلامی نه تنها حقی به طرفین جنگ برای کشتن و آزار و اذیت مجروحان و آسیب‌دیدگان جنگی نمی‌دهد، بلکه حتی آنان را به مدارا و خویشتنداری نسبت به آنان تشویق می‌کند. از

این منظر، رزمندگان اسلام مطلقاً حق کشتن مجروحان جنگی را ندارند، بلکه باید در جهت درمان آن ها کوشش کنند و بنا بر قولی باید آن ها را به محل خود بازگرداند؛ علاوه بر این، مثله کردن و سوزاندن و به طور کلی هرگونه توهین به اجساد دشمن ممنوع است. به کارگیری وسایل وحشیانه مثل سلاح های شیمیایی و میکروبیولوژیک و هسته ای و روش های تغییر محیط همچنین مکر و نامردی نیز به استناد قرآن و روایات ممنوع است (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۷). علاوه بر این، در حقوق اسلامی، لشکریان اسلام، اولاً حق کشتن مجروحان دشمن را ندارند. حتی برخی معتقدند که باید آن ها را به محل خود برگردانند. ثانیاً به مقتضای احسان باید آن ها را مورد درمان قرار داد. در جنگ نهروان، امام علی (ع) دستور دادند چهل نفر از خوارج را که مجروح شده بودند و در میدان باقی مانده بودند برای مداوا به کوفه برسانند و تمامی مجروحان را که رمقی برای آن ها باقی نمانده بود، به خانواده هایشان برگردانند (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۴۴).

– رعایت حقوق اسراء و بازماندگان جنگی

حقوق بین الملل اسلامی درباره حقوق آسیب دیدگان جنگی از یک جهت دیگر نیز متمایز و خاص است. به این دلیل که در قاموس چنین مکتبی، رعایت حقوق اسراء به مثابه یک اصل پذیرفته شده مورد توجه است و در اغلب موارد توصیه شده است که رفتار انسانی با اسراء و بازداشت شدگان جنگی صورت گیرد. بدین ترتیب، حتی در اسلام، اسیران جنگی دارای حقوق و احکامی هستند که مسلمانان به هر شکل، موظف به رعایت آن می باشند. از جمله این حقوق، احترام به اسیر و رفتار محبت آمیز با او می باشد (حکیم، ۱۳۷۸: ۵۳). این موضوع هم در آیات و روایات و هم در سیره ائمه معصوم (ع) نیز دیده می شود. به فرموده حضرت علی (ع):

«چنان چه شکست دشمن با اراده خدا محقق گشت، پس هیچ فرد در حال فرار را نکشید، جان هیچ مجروchi را نستانید، زنان را با آزاد و اذیت تهییج نکنید، هرچند که به ناموس شما دشنام دهند و به فرماندهان شما فحش گویند؛ زیرا آنان از نظر نیرو و جان و عقل ضعیف البنیه هستند. ما به روی گرداندن از آنان در حالی امر می شدیم که آنان مشرک بودند و اگر مردی، زنی را در جاهلیت اذیت می کرد، بدین نحو که با سنگ کوچکی او را ادب می کرد یا با عضای خود به او حمله می نمود، تا آخر عمر، خود و خانواده اش برای این کار مورد تمسخر قرار می گرفت» (نهج البلاغه، نامه ۱۴).

به علاوه در این باره اسلام نیز با رعایت اصل «عدم رنج و درد زاید» به کمک آسیب دیدگان جنگی می شتابد و از طرفین جنگ می خواهد که اصول حاکم بر حقوق بازداشت شدگان و اسرای جنگی را در نظر بگیرند. در این رویه، اصولی چون منع به کارگیری سلاح های کشتار جمعی از جمله سم (مسموم کردن دشمن) یا غرق نمودن و یا استفاده از آتش و سوزاندن دشمن، از قاعده عدم درد و رنج زاید متفرع می شود. قاعده عدم درد و رنج زاید به این معنی است که هدف اساسی از به کارگیری سلاح جنگی، تضعیف نیروی جنگی دشمن به منظور شکست دادن او می باشد، نه از بین

بردن دشمن. از اصول حقوق بشردوستانه در اسلام، منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و مقید نمودن عملیات جنگی به اهداف نظامی است (حکیم، ۱۳۷۸: ۵۱). به طور کلی و براساس آنچه بیان شد، قرآن کریم و به تبع آن حقوق بین الملل منبعت از آن، تنها طرفین اصلی جنگ را می‌شناسد و آن هم در صورتی جنگ را مجاز می‌داند که فساد را از روی زمین بردارد و مانع ستم و فتنه گردد. موضوع فوق به خوبی در آیه ۱۹۰ سوره بقره قابل استنباط است. جایی که بیان می‌شود:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/ ۱۹۰).

« و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد! ».

آیه فوق به خوبی نشان می‌دهد که حقوق بین الملل اسلامی میان تجاوز و جنگ خط مشخصی ترسیم کرده است که عدول از آن به معنای عدول از آرمان‌های الهی تلقی می‌شود. بر مبنای این آیه، فقط با کسانی باید جنگ کنیم که با ما در جنگ هستند (نظامیان دشمن) و در صورتی که آثار جنگ به غیرنظامیان بدون مجوز عقلی و قانونی سرایت کند، تجاوز محسوب می‌گردد که موردپسند خدا نیست. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نیروهای بعثی بارها از سلاح شیمیایی و کشتار دسته جمعی علیه نیروهای اسلامی استفاده کردند و بدیهی‌ترین اصول انسان‌دوستانه بین‌المللی را خدشه‌دار ساختند؛ در حالی که در حقوق بین‌الملل معاصر، از مدت‌ها پیش، هرگونه استفاده از سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی ممنوع شده بود (حکیم، ۱۳۷۸: ۵۱). بر همین اساس است که حقوق بین الملل اسلامی، چنین رویه‌های غیرانسانی را نمی‌پذیرد و حتی با طرح مسأله تبادل اسرا و لزوم برخورد رثوفانه اسلامی خواهان آن است که اصول حاکم بر آسیب دیدگان جنگی از جمله اسراء در نزد حقوق بین الملل اسلامی مورد ملاحظه قرار گیرد. حقوق بین الملل اسلامی با توسل به آموزه‌های الهی بر این اعتقاد راسخ ایمان دارد که خداوند به شکل پنهان نیز مدافع حقوق آسیب دیدگان جنگی است. چه این که در غیر این صورت، کافران بر ستمدیدگان غلبه می‌کردند. حتی این موضوع در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته که خداوند متعال خواستار آن است که حقوق سایر ادیان نیز در جنگ‌ها رعایت شود از جمله به دیرها، مساجد و کلیساها پرهیز شود. یعنی اگر خداوند نبود در جنگ‌ها، دیرها و معابد سایر ادیان نابود می‌شد. به تعبیر قرآن کریم که در این زمینه می‌فرماید:

«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُمْ صَوَامِعَ وَ بِيَعَ وَ صَلَوَاتٍ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/ ۴۰).

«همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز این که می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند

کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است».

براساس آیه فوق می توان به اصول مهمی از حقوق بین الملل اسلامی در زمینه حفظ حقوق آسیب دیدگان جنگی دست یافت که در سایر مکاتب حقوقی جهان دیده نمی شود. قرآن کریم در این آیه دستور مقاتله با کسانی که دست به اسلحه برده و با مسلمانان وارد جنگ شده اند را صادر کرده و به آن ها اجازه داده است که برای خاموش ساختن دشمنان دست به اسلحه ببرند و از هرگونه وسایل دفاعی استفاده کنند. در این آیه به سه نکته اساسی اشاره شده است که منطق اسلام را در مورد جنگ کاملاً روشن می سازد:

۱. با جمله «در راه خدا نبرد کنید» هدف اصلی جنگ های اسلامی را روشن می سازد که جنگ برای دست آوردن غنایم و تصرف و اشغال سرزمین های دیگران همه از نظر اسلام محکوم است و تنها اسلحه به دست گرفتن و به جهاد پرداختن در صورتی صحیح است که در راه خدا و گسترش قوانین الهی یعنی حق و عدالت و توحید و ریشه کن کردن ظلم و ستم و فساد و انحراف می باشد؛

۲. مورد این که با چه کسی باید جنگید جمله «کسانی که با شما می جنگند» صراحت دارد که طرف مقابل دست به اسلحه نبرده و به مبارزه نپرداخته است و مسلمانان نباید پیش دستی کنند. ضمناً از این آیه استفاده می شود که هرگز غیرنظامیان مخصوصاً زنان، کودکان و پیران زمین گیر نباید مورد حمله واقع شوند، زیرا آن ها به مقابله برنخواسته اند و بنابراین مصونیت دارند؛

۳. ابعاد جنگ نیز با جمله «از حد خدا تجاوز نکنید» مشخص شده است. زیرا جنگ در اسلام به خاطر خداست و در راه خدا نباید هیچ تعدی و تجاوزی صورت گیرد و لذا اسلام - برخلاف جنگ های عصر ما - رعایت اصول اخلاقی فراوانی در جنگ توصیه می کند. مثلاً افرادی را که سلاح بر زمین گذاشته اند و کسانی که توانایی جنگیدن را از دست داده و یا اصولاً قدرتی برای جنگیدن ندارند - مانند پیرمردان، زنان و کودکان - نباید مورد تعدی قرار بگیرند (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۷۷).

در کنار حمایت از آسیب دیدگان جنگی از منظر حقوق بین الملل اسلامی «حمایت از بیماران، مجروحان و سایر افراد خاص» نیز دیده می شود. این عده از افراد در ردیف کسانی هستند که از مصونیت جنگی برخوردار می باشند. این حق طبیعی آنان است که از آسیب های جنگی و درگیری - های نظامی به دور باشند و بلکه باید از آنان حمایت های ویژه ای نیز صورت پذیرد. منظور ما از بیماران، مفهوم عام آن است، به گونه ای که شامل زخمی های دشمن هم می شود. زخمی های دشمن که به دلیل جراحت، قادر به جنگیدن نیستند، از هرگونه تعرض و آسیب نیروهای نظامی در امان می باشند و این مسأله مورد سفارش پیشوایان اسلام بوده است. لکن این مصونیت و حمایت های ویژه مشروط بر آن است که این عده در وضعیت جدید در جبهه به نفع دشمن حضور و مشارکت جسمی

و فکری نداشته باشند؛ چه این که هرگونه مشارکت در کارزار نظامی، آنان را به عنوان یک سرباز دشمن قرار می‌دهد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

- رعایت اصول اخلاقی در حق آسیب دیدگان جنگی

رعایت حقوق انسانی و توجه وافر به مسائل اخلاقی در جنگ، از دیگر ویژگی‌های مهم حقوق بین‌الملل اسلامی در جنگ است. این موضوع هم در زمان ظهور دین اسلام و تداوم آن به وسیله معصومین (ع) مورد توجه بوده است و هم در حقوق بین‌الملل اسلامی به عنوان یک اصل کلی مورد توجه است. از این منظر، در اسلام، میان خشونت پدیده جنگ و لطافت عواطف انسانی و ملامت اصول اخلاقی، قهر و مهر، صلابت و ملامت، چنان ماهرانه الفت برقرار شده است که مایه شگفتی است. این ویژگی در محیط و فضایی ظهور یافت که زشت‌ترین خصلت‌ها و ناپسندیده‌ترین کارها رواج داشت و ابتدایی‌ترین حقوق انسانی زیر پا گذاشته می‌شد. رعایت حقوق انسانی در جنگ، مورد توجه کسانی قرار گرفت که پیش از ظهور اسلام مدام در جنگ و خونریزی و غارت بودند و از انجام هیچ جنایتی پروا نداشتند (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۷۵). بدین ترتیب، آیین اسلام با ترسیم خط قرمزهای روشن و حاکم کردن اصول اخلاقی بر جنگ، مدافع آسیب دیدگان جنگی از جمله زنان، کودکان و کسانی است که یا در جنگ مشارکتی ندارند و یا درصدد ایجاد فتنه و ایجاد ستم بر دیگران نیستند.

حقوق بین‌الملل اسلامی با مدنظر قرار دادن اصول جنگ در نزد خود، حتی مرزهای جنگ و نزاع را مشخص می‌کند و سد دفاعی محکمی برای کسانی ایجاد می‌کند که در جنگ حضور ندارند و می‌توانند در کمال آرامش به حیات خود ادامه دهند. در همین راستا، «محدودیت عملیات نظامی در دایره هدف‌های نظامی و استراتژیک» یکی از اصول مسلم جنگ‌ها در اسلام است. جنگ‌ها «نظام‌ها را رودروی یکدیگر قرار می‌دهند و نه مردم را». بنابراین تا آنجا که ضروریات نظامی ممکن می‌سازد باید از تعرض مصون باشند. اصل اسلامی فوق نتایج بسیاری را به دنبال دارد. ممنوعیت جنگ با مردم غیرنظامی و تمایز بین جنگجو و غیرجنگجو، منع جنگ با افراد بی‌سلاح، مجروح، بیمار، زن، کودک، پیر و ... از آن جمله است (برزنونی، ۱۳۸۲: ۲۷۴-۲۷۳). بدین ترتیب حقوق بین‌الملل اسلامی در راستای رعایت اصول اخلاقی میان جنگ‌کنندگان و کسانی که در جنگ مشارکت نمی‌کنند، حد فاصلی ایجاد می‌کند تا مانع از درگیری‌های گسترده و ایجاد خسارت بیشتر به آسیب دیدگان جنگی گردد. در این راستا، مردم در قالب زنان و کودکان هم در زمان جنگ و هم در زمانی که در جنگ مورد تعرض و آسیب قرار می‌گیرند، مورد حمایت خاص حقوق بین‌الملل اسلامی هستند.

حقوق بین‌الملل اسلامی در این زمینه آن چنان به حقوق آسیب‌دیدگان جنگی توجه می‌کند که مسأله کوچکی همچون اطعام اسیران و آسیب دیدگان جنگی را مورد توجه قرار می‌دهد و از طرفین

نیز می‌خواهد که به این اصل نیز پایبند باشند. اطعام اسرا و احترام به آنان نیز یکی دیگر از راه‌های دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی در حوزه حقوق بین‌الملل اسلامی است. از این منظر، در اسلام، اسیر جنگی دارای حقوق و احکامی است که مسلمانان به هر شکل، موظف به رعایت آن می‌باشند. از جمله این حقوق، احترام به اسیر و رفتار محبت‌آمیز با او می‌باشد. در اسلام، غذا دادن به اسیر، بر کسی که او را می‌گیرد تا آن گاه که وی را فرمانده سپاه برساند، واجب است و اگر شخص اسیرکننده این کار را نکند، اطعام اسیر بر امام (حاکم) واجب می‌شود (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). بدین ترتیب مسأله اطعام اسیر تا جایی حائز اهمیت است که اگر اسیرکننده به چنین اقدامی همت نگمارد، بر حاکم جامعه واجب است که اطعام اسیر را به جای آورد تا اصول اخلاقی حاکم بر حقوق بین‌الملل اسلامی رعایت شود. بنابراین در حقوق اسلام به طور مفصل از حقوق اسیران صحبت، و درباره مسائلی همچون زمان دستگیری، حقوق آنان، وضعیت غذایی اسیران و محل نگهداری آنان، استفاده از کار و آزادی بحث شده است (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۷). که حقوق بین‌الملل اسلامی و سایر مکاتب حقوق بین‌الملل می‌تواند با توسل به چنین اصولی، به دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی بپردازند و مانع از تضییع حقوق اسراء، زنان، کودکان و آسیب‌دیدگان جنگی شوند.

حقوق بین‌الملل اسلامی در زمینه حمایت و دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی، خواهان آن است که با غیرنظامیان دشمن در سرزمین طرف مقابل، رفتاری اخلاقی شود و از ابراز خشونت و رعب و وحشت در میان آنان جلوگیری شود. بدین ترتیب، در کنار غیرنظامیانی که در سرزمین دشمن حضور دارند، بخشی از غیرنظامیان دشمن نیز ممکن است در کشور اسلامی سکونت داشته باشند. این افراد، همانند بقیه غیرنظامیان دشمن، از مصونیت برخوردارند. اصول حقوق بین‌الملل و دیدگاه اسلام در این باره یکسان است؛ با این تفاوت که از دیدگاه اسلام، این عده از مصونیت بیشتری برخوردارند (عباسی، ۱۳۹۵: ۲۲). به عنوان مثال، در نبرد نظامی میان ایران و عراق، در صورتی که غیرنظامیان عراقی در سرزمین ایران حضور داشته باشند، حقوق بین‌الملل اسلامی از این ویژگی برخوردار است که به لحاظ اخلاقی و براساس اصول حقوق بین‌الملل اسلامی با مدارا با آنان رفتار کند و سازوکارهای لازم برای بهره‌مندی آنان از اصول اولیه زندگی را در اختیار آنان قرار دهد.

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه اصولی که مورد پذیرش دولت‌ها در عرصه بین‌الملل قرار گرفته است، سند محکمی برای دفاع از حقوق ملت‌ها در سطح جهان فراهم آورده است. حقوق بین‌الملل در زمینه دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی نیز به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل بر این مسأله تأکید می‌کند که تنها کسانی که در جنگ مشارکت دارند، می‌بایست هزینه‌ها و اقدامات جنگ را بر عهده بگیرند و غیرنظامیان، زنان، کودکان و کسانی که مشارکتی در جنگ ندارند، می‌بایست از مصونیت برخوردار شوند و حتی در زمینه‌های مختلفی با رأفت بیشتری نسبت به آنان برخوردار شود.

در این میان، هر مکتب حقوقی در سطح بین الملل تلاش می‌کند تا با توسل به اصول حاکم بر مکتب خود به دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی بپردازند و از حقوق آنان دفاع به عمل آورد. به طور خاص، حقوق بین الملل اسلام دارای جایگاه ویژه‌ای است و بر اساس آیات، روایات و شواهد متقن تاریخی در صدر اسلام، می‌توان گفت که آسیب‌دیدگان جنگی در نزد آموزه های حقوق بین الملل اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و مواضع دین اسلام در زمینه های مختلف نشان می‌دهد که چنین رویه‌ای می‌تواند ظرفیت های حقوق بین الملل را در زمینه دفاع از آسیب دیدگان جنگی بالاتر ببرد.

حقوق بین الملل اسلامی به طور خاص با مطرح کردن اصول کلی و البته با ذکر مصادیق مختلف، از جمله؛ عدم تلافی و کشتن مجروحان جنگی، رعایت حقوق اسراء و بازماندگان جنگی و رعایت اصول اخلاقی حاکم بر جنگ، از حقوق آسیب دیدگان جنگی دفاع به عمل آورد. عدم تلافی و مدارا با مجروحان جنگی حتی کسانی که در جنگ مشارکت دارند، برگ زرینی در حقوق بین الملل اسلامی تلقی می‌شود که به موجب آن، طرفین جنگ می‌بایست از کشتن و به قتل رساندن مجروحان و اسیران جنگی پرهیز کنند. همچنین، در زمینه حقوق اسراء، حقوق بین الملل اسلامی دیدگاه‌های خاصی را مطرح می‌کند و از مدارا و برخورد محبت‌آمیز گرفته تا اطعام و روحیه دادن به آن‌ها را شامل می‌شود. همچنین در زمینه رعایت اصول اخلاقی حاکم بر جنگ، موارد متعددی در حقوق بین الملل اسلامی دیده می‌شود که به موجب برخی از اصول و مصادیق آن، حفظ و حراست از دشمنانی که کسانی که در سرزمین طرف مقابل جنگ حضور دارند، به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است. همچنین رسیدگی به وضعیت جسمی و روحی اسران، اطعام و نگهداری از آنان، بهره‌مندی آنان از کار و آزادی از جمله سازوکارهایی است که حقوق بین الملل اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از مکاتب حقوقی مهم در جهان شناخته شود و حتی ظرفیت‌های قابل توجهی برای دفاع از آسیب‌دیدگان جنگی فراهم آورد.

منابع:

قرآن کریم.

- امینیان و صانعیان، بهادر و علی (۱۳۹۶)، دیپلماسی اجبارآمیز و حقوق بین الملل: با تأکید بر نقش شورای امنیت، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره دوم، تابستان ۹۶، صص ۳۱-۷.
- برزونی، محمدعلی (۱۳۸۲)، آثار حقوقی جنگ بر سرزمین در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره بیست و هشتم، صص ۳۰۲-۲۶۵.
- حاجی زاده و دیگران، محمود (۱۳۹۶)، جایگاه حاکمیت قانون در حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۴، بهار ۹۶، صص ۱۹۹-۱۷۱.
- حکیم، محسن (۱۳۷۸)، آداب جنگ یا تقوای جنگی در اسلام، مقالات و بررسی ها، دفتر ۶۵، تابستان ۷۸، صص ۶۱-۳۹.
- دادمهر، هادی (۱۳۹۳)، حقوق بین الملل در برابر روابط بین الملل؛ بررسی میان رشته ای مفهوم اعتبار، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۴، پاییز ۹۳، صص ۱۴۵-۱۲۳.
- درویشی و فردی تازه کند، فرهاد و محمد (۱۳۹۳)، بررسی اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (ره)، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۹۳، صص ۴۳-۱.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴)، اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین الملل، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۷، زمستان ۹۴، صص ۱۱۲-۷۹.
- صفدری، محمد (۱۳۴۲)، حقوق بین الملل عمومی، جلد اول، تهران: انتشارات ابوریحان.
- ضیایی، یاسر (۱۳۹۰)، مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین الملل عمومی، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۶، زمستان ۹۰، صص ۵۲-۹.
- عباسی (اشلقی)، مجید (۱۳۹۵)، نظریه اسلامی حقوق بشردوستانه و صلح بین المللی با تأکید بر کرامت ذاتی و ارزشی انسان، فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، سال چهارم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۹۵، صص ۳۶-۱۱.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۲)، قوانین و مقررات کلی جنگ و دفاع در اسلام، فصلنامه مصباح، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۳۳-۱۵.
- فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۴)، مخاصمات مسلحانه در خاورمیانه و نقش حقوق جنگ اسلامی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۹۴، صص ۱۹۰-۱۷۱.